



گاهنامه حوزه زنان انجمن اسلامی دانشکده شریعتی

سال سوم . شماره سوم
ویژه نامه روز جهانی منع خشونت علیه زنان

یه لقمه نون حروم

" صفحه ۱۱ "

نایت لایف ایرانی

" صفحه ۹ "

خود زنی زنانه

" صفحه ۲ "



نشریه حوزه زنان انجمن اسلامی شریعتی

سال سوم . شماره سوم
ویژه نامه روز جهانی منع خشونت علیه زنان

صاحب امتیاز : انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده شریعتی

مدیرمسئول و سردبیر: مریم نظری

هیئت تحریریه : سارا طلا، زهرا طالبی، فاطمه گرشاسبی،
زهرا مظہری، سارا حسینزاده، مریم نظری، زهرا اقبالزاده،
مریم مہراور

ویراستار: سارا طلا

   @AnjomanEslami_SU

سخن سردبیر

هرساله با نزدیک شدن به ۲۵ نوامبر سروصداهایی در اقصی نقاط جهان بلند میشود که به بهانه خشونت علیه زنان، بر طبل آزادی زنان، برابری و دیگر کلمات خوش رنگ و لعاب میکوبند. این روال چند روزی به دستور اربابان سرمایه دار انجام شده و نگاه رسانه‌ها را به خود جلب میکنند. نکته‌ی قابل توجه این است که سرانجام این هیاهوی کاذب مجدداً خشونت است اما خشونت علیه ارزش‌های معنوی و انسانی زنان.

نگاه سطحی‌نگر غربی به این مناسبت جهانی همان پوسترهایی است که با کبودی چهره زنان و نشان دادن ضرب و شتم‌ها است که میخواهند است حمایت از حقوق زنان بگیرند. نگاه جامع‌تر نسبت به این مسئله‌نگاهی است که نه برای تبلیغات بلکه تماماً برای حفظ ارزش‌های انسانی - اسلامی گام برمیدارد. فریادها علیه خشونت زنان همیشه بلند است اما باید با عنایت به تمامی جوانب این خشونت باشد. برخورد وظیفه‌دانستیم که در این فضای مه‌آلود، نور چراغ را سمت خیانت‌هایی که بگیریم که اربابان سرمایه دار هیچ علاقه‌ای جهت نمایش آنها ندارند. ما علم دفاع از حقوق زنان را زمین گذاشته و طبق فرمایش مقام معظم رهبری اینبار از منظر تهاجم و حمله به این موضوع می‌پردازیم.

ابتداءً به خشونت علیه سلامت روحی - جسمی زنان با عنایت به مسئله‌ی سقط جنین که در چهره‌ی نوست به تقابل ۲ نگرش موافقان و مخالفان "فانون سقط جنین" می‌پردازیم. سپس با نگاهی کلان نسبت به سیاست بی‌شرمانه‌ی کاپیتالیسم، خشونت علیه خصائص زنان بررسی میشود. در نگاهی ویژه عملکرد بیرحمانه‌ی بیگانگان و همکاری عوامل داخلی را در پروژه‌ی ضدجمعیتی مطرح میکنیم و در ادامه به تأثیرات کوتاهی‌های صورت گرفته درباره‌ی تسهیلات مادران شاغل می‌پردازیم که در نهایت باعث تقویت نگرش‌های غلطی چون "فرزند کمتر، زندگی بهتر" شده است. احساس لطیف مادرانه‌ی زنان شاغل زیر قوانین سخت‌له میشود بدون آنکه کسی صدایش علیه این خشونت بزرگ بلند شود.

از پرونده‌های ویژه‌ی این شماره، ورود سنت‌های نوظهور به ایران است که بصورت دقیق پدیده‌ی زیست‌شبان را مورد بررسی قرار گرفته است.

در تکمیل پازل خشونت‌ها میتوان به قطع‌هی مهم و تأثیرگذار رسانه‌ی اشاره کرد که ورود زنان به این خرسهر فتح نشده نیازمند اقدامات ضد ارزشی است.

باتشکر از بزرگوارانی که در تنظیم این نشریه ما را صادقانه و خالصانه همراهی کردند. امید است هدفی که تا به امروز ۳ گام برای تحقق آن برداشته‌ایم، با عنایت حضرت حجت به سر منزل درست خود برسد.

خودزنی زنان

به قلم زهرا مغیری

راه فرار از عقب‌بخت آزادی‌های جنسی است. این آمار نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۳، بیش از ۵۰ میلیون جنین در شرف تولد کشته شده‌اند که به طور متوسط سالانه بیش از یک میلیون سقط جنین در آمریکا روی می‌دهد. تعداد کودکانی که سالانه در اثر سقط جنین در آمریکا از بین می‌روند برابر با تعداد تمامی نظامیانی است که تا کنون در کل جنگ‌های تاریخ آمریکا کشته شده‌اند.

گزارش شده است که ۴۱ درصد از کل بارداری‌ها در شهر نیویورک به سقط جنین ختم می‌شود و همچنین مطالعات نشان می‌دهد ۸۶ درصد از سقط جنین‌ها به خاطر آسایش طلبی و دوری از دردهای بارداری صورت می‌گیرد.

فریاد ارقام بالای سقط جنین در حالی اعلام می‌شود که تبعات غیر قابل‌جبرانی بر جسم و روان زنان در سکوت کامل گرفته‌اند و کمتر کسی میداند که ممکن است زنان تا سال‌ها را درگیر شوند و حتی زندگی عادی آنها هم دچار مشکل شود.

آزادی‌های بی‌حد و مرز جنسی که امروزه از آن به عنوان یک انقلاب یاد می‌شود یکی از افتخارات پوشالی تمدن غرب است. انقلابی که اولین و بیشترین قربانیان آن را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. از نتایج غیرمستقیم این دگرگونی بزرگ بر جامعه، میتوان به بحران مادران تنها و فرزندان رها شده اشاره کرد و همچنین بیماری‌های خطرناک جنسی، هرج و مرج احساسات لطیف انسانی، و نیز آمار بالای سقط جنین از نتایج این آزادی بوده است که بیشترین صدمه را به روح و جسم زنان وارد ساخته است.

بسیاری از این زنان قربانی این انقلاب پس از روابط نامشروع بر سر یک دوراهی قرار می‌گیرند، پذیرفتن هزینه‌ی گزاف آزادی جنسی یا گرفتن حق حیات از جنین؛ متأسفانه آنها آسان‌ترین راه ممکن یعنی سقط جنین را انتخاب می‌کنند.

آمارهای وحشتناک که پس از آنکه دادگاه عالی آمریکا سقط جنین را تایید کرد، منتشر شد مهر تاییدی بر راحت‌ترین

STOP KILLING CHILDREN

● حق جنین با چاشنی خشونت علیه زن

سقط جنین را از دو جنبه میتوان بررسی کرد اول اینکه نقض حق جنین است و دوم اینکه نوعی خشونت علیه سلامتی زنان محسوب می‌شود.

مخالفان سقط جنین با دلایل علمی اثبات کرده‌اند که بر خلاف ادعای موافقان، سقط جنین عوارض چندی را در بر داشته است از قبیل: سقط ناکامل، خونریزی، عفونت، افسردگی، خودکشی، کودک‌آزاری، خشونت، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، اختلال در روابط اجتماعی، خانوادگی و زناشویی و نظایر آن.

● ترمیم قلب از دست‌رفته

اطلاعات موجود نشان می‌دهد که به طور متوسط یک دوره‌ی پنج‌الی ده ساله طول می‌کشد تا احساسات زنی که به واسطه‌ی سقط جنین آسیب دیده است، خود را نشان دهند. ضمن اینکه احتمال خودکشی یا تفکر در مورد آن در میان این زنان بیشتر است و بر اساس مطالعه‌ی ای که در مجله‌ی پزشکی جنوب در سال ۲۰۰۲ منتشر شده است احتمال خودکشی زنانی که سقط کرده‌اند ۱۵۴ درصد بیشتر است. مطالعات مربوط به اثرات منفی و زیانبار سقط جنین بسیار زیادتر از آن چیزی است که در اینجا به آن اشاره شد.

● استدلال‌ات، پوچ

استدلال‌های موافقان سقط جنین در مقایسه با آثار بسیار منفی آن اندک و محدود هستند و چندان قوی و جدی نیز نیستند؛ برای مثال آنها به مسئله

جلوگیری از آسیب‌پذیری‌های طولانی‌مدت، بر اثر پذیرش فرزند ناخواسته اشاره دارند. ادعای بی‌پایه و اساس آنها به این نکته اشاره می‌کند که از لحاظ روانی، سقط جنین بهتر از رهاکردن فرزند برای فرزندخواندگی یا بزرگ‌کردن بچه‌ای که آمادگی برای مراقبت از وی وجود ندارد می‌باشد.

● تلقین

انها همچنین می‌گویند بطور کلی اثرات بعدی سقط جنین برای زنان بیشتر مثبت است تا منفی و هرنوع احساس ندامت یا از دست دادن چیزی، کوتاه مدت خواهد بود.

● آمار اوهام

برطبق این نظرگاه، سقط جنین برای یک زن حتی بهتر از تولد یک بچه است و آسیب‌های بلندمدت برای بدن یک زن، به ندرت اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال، نرخ مرگ و میر زنانی که از سقط جنین می‌میرند، خیلی پایین و در حد کمتر از یک در صد هزار می‌باشد.

● سنگ بنای شوم

اما مسئله مهم این است که سقط جنین زنان را آزاد نمی‌سازد بلکه آنها را به شیوه‌ای جدید تحت بردگی در می‌آورد، جریانی که با شعارهای دل‌فریب آزادی زنان پا به میدان نهاد، و حق هرگونه انتخاب را از زن گرفت.



در یک روز معمولی رسانه‌های چین خبر تلخی را تیتز زدند "مادری دو فرزندش را فروخت تا تلفن همراه بخرد!" یک زن چینی دو فرزند تازه به دنیا آمده‌اش را فروخت تا با بخشی از این پول یک تلفن همراه بخرد و باقی آنرا صرف پرداخت صورت حساب‌هایش کند. از این خبر فاجعه‌بار به خوبی میتوان متوجه شد که از کشور سنت‌گرا چین فقط پوسته‌ی آن باقیمانده است و در بطن جامعه‌ی ششرق جایگاه مادری مورد هدف و سوا استفاده قرار گرفته است.

در اکثر نقاط این کره‌ی خاکی "مادر" موجودی مهربان و مقدس است و همیشه با مهر و عطوفت یاد میشود. نقش مادر از ابتدای زندگی یک انسان به عنوان اولین همراه و اولین معلم شروع میشود. او مهم ترین نقش در تربیت یک انسان را برعهده دارد که میتواند مستقیماً روی جامعه تاثیرگذار باشد. کودک از بدو تولد آغوش سرشار از مهر و محبت مادر را تجربه و تحت حمایت و راهنمایی او رشد میکند.

متأسفانه امروزه در جوامع غربی و حتی شرقی نقش مادری به علت دیدگاه‌های غلط بشدت مورد تزلزل قرار گرفته است. اصولاً نگاه جامعه غرب به زن، نگاهی ابزاری و کالا گونه است که به راحتی میتوان در شعارهای حمایتی آنها از زنان جامعه متوجه شد. نمونه‌ای از این موضوع استفاده تبلیغاتی از زیبایی و ظرافت‌های فطری بانوان است. «کاپیتالیزم مادری» بهترین عبارتی است که میتوان برای این مبادله‌ی کثیف انتخاب کرد.

ر یک تعریف ساده از کاپیتالیزم باید گفت در جامعه‌ای که مالکین خصوصی سرمایه، تعیین کننده چهره اقتصادی و سیاسی و نظم اجتماعی هستند نگرش کاپیتالیزم به خوبی آشکار میشود. به این صورت که طبقه سرمایه داری یا بورژوازی نیروی تولیدی جامعه را به سود خود بهره گیری میکنند. به تعبیر ساده تر کاپیتالیزم یعنی همه چیز در دنیا کالا است و دارای قیمت؛ حتی مادر و محبت مادری

اینکه محبت‌های غیر قابل جبران یک مادر با آن همه فداکاری‌های شبانه‌روزی، و مشقتی که در طول زمان دوران بارداری و پس از آن می کشد، در جامعه‌ای قیمت‌دار شد، دیگر حق مادر و مفهوم مادری، معنایی ندارد، لذا مادر را هم باید مثل یک کالای بی‌ارزش، خرید و فروش و اجاره کرد!

برای تصدیق این نکته میتوان "مادر اجاره‌ای" را که واژه‌ای آشنا در آمریکا است بررسی کنیم. در سایت فروشگاهی babble خدماتی را تحت عنوان "مادر اجاره‌ای وجود دارد که متقاضیان با پرداخت ساعتی ۴۰ دلار محبت یک فردی را به عنوان مادر می‌خرند!

عدم جذب محبت مادر، فرزند را با مشکلات زیادی مانند قساوت قلب و شقاوت مواجه می‌کند، زیرا وقتی فرزند، در کودکی و نوجوانی که قرار است هویتش شکل گیرد، نتواند محبت جذب کند، در جوانی و بزرگسالی نخواهد توانست زندگی عادی تشکیل دهد و به تبع آن، آرامش برای او حاصل نمی شود. او محکوم به شقاوت و قساوت قلب میشود، و حکم او خلاء محبت مادری صادر میکند.

دیدگاهی که محبت نامحدود مادر را کالا می‌انگارد، نتیجه‌اش افراد بی‌هویتی است که همه‌ی عمر به دنبال هویت گمشده‌ی خود هستند و همین انسان‌های بی‌هویتی هستند که نسلی از افراد قستی القلب را تحویل جامعه می‌دهند که هرگز به سعادت نمی‌رسند. این دقیقاً همان چهره‌ی واقعی و بی‌رحم آمریکا است که با فروپاشی اصلی ترین نهاد جامعه، قصد دارد برای خود درآمد زایی کند. در ادامه کمی جایگاه مادری و نقش

بانوان در جامعه را از دیدگاه اسلام را بررسی میکنیم. در همه‌ی ادیان الهی به جایگاه مهم مادر اشاره و توجه شده این اسلام به جایگاه و حقوق مادری توجه ویژه تری شده است. دین اسلام به جایگاه و حقوق مادری توجه ویژه تری شده است. پیامبر اکرم (ص) در تبیین مقام مادر می فرماید: الجنة تحت اقدام الامهات؛

"بهشت زیر پای مادران است." جایگاه مادر و ارزش نقش مادری از گفتار ایشان به روشنی قابل درک و فهم است. همچنین اینکه حضرت سه بار به نیکی کردن نسبت به مادر دستور می دهند و نوبت چهارم به احسان پدر سفارش می کنند؛ بهترین دلیل بر عظمت شأن مادر میباشد.

به طوری کلی در باور اسلامی زن جایگاه ویژه و تاثیر گذاری در جامعه از خانواده گرفته تا سطوح گسترده تر در جامعه دارد.

حال اگر دیدگاه اسلام و نگاه یک جامعه اسلامی ایرانی به مقام مادر را با دیدگاه غربی مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که در دیدگاه غربی کوچکترین اهمیت و جایگاه خاصی برای مادری تعریف نشده و نقش مهم تربیتی یک زن در جامعه نادیده گرفته میشود در صورتیکه ما معتقدیم زنان رهبران جامعه هستند.

باید توجه داشته باشیم که غرب بر خلاف شعارهای ابده آل گرابانه و خوش رنگ و لعاب خود در مورد جایگاه زنان، مانند دیدگاه فمینیسم فقط به فکر منافع سرمایه‌داری خود است و هیچگاه به شعارهای خود عمل نکرده مگر آنکه به سود خود باشد.

مهد کودکان تنها



بزرگی است که اگر زودتر از آن جلوگیری نشود، در آینده ای نه چندان دور اقتصاد، امنیت و در نهایت تمامیت ارضی کشور را به کام نابودی خواهد کشاند.

پرده اول؛ هولوکاست ایرانی

قریب به یک قرن پیش طی سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ دنیا شاهد جنگ جهانی اول بود. اما ایران که بی‌طرفی خود را در این جنگ اعلام نموده بود، بیشترین آسیب را از این جنگ ویران دید. طی سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ یعنی فقط طی دو سال ۹ میلیون ایرانی بر اثر قحطی حاصل از سیاست‌های کشورهای استعمارگر آن زمان، جان خود را از دست دادند. اسناد این قتل عام بزرگ همچنان در ردیف اسناد طبقه بندی شده و سری انگلستان قرار دارد و این کشور هنوز هم از انتشار آن ممانعت می‌کند.

طی این واقعه دردناک، ایران نیمی از جمعیت خود را از دست داد. قریب به ۵۰ سال از عمر کشور صرف جبران این خسارت و تعادل نسبی جمعیت شد تا اینکه طرح کنترل جمعیت در اواخر سلطنت پهلوی با شعار فرزند کمتر زندگی بهتر در دستور کار قرار گرفت که تماماً مورد حمایت آمریکا قرار داشت.

اساساً چه دلیلی داشت که آمریکا بخواهد با تحمیل سیاست کاهش جمعیت از اقتدار کشوری بکاهد که به او مسئولیت و مدال افتخار ژاندارمی منطقه را داده بود؟

این که آمریکا طرح تنظیم خانواده را در ایران پیگیری کرد به دو دلیل بود.

از زمان آدم ابوالبشر، انسان همواره به جهت حفظ بقای خود و آغاز سلطه بر این کره خاکی نیاز به زاد و ولد را در درون خود حس می‌کرد. نیازی که پاسخ به آن در طول سالیان دراز باعث گسترش جمعیت و ایجاد جوامع گوناگون شد. اما از همان ابتدا که دستان قابیل به خون‌هابیبل آلوده گشت، تخم نزاع بشر علیه بشریت در دل انسان‌ها کاشته شد و این خود سر آغازی بود بر جنگ‌های قومی و قبیله‌ای و... که طی آنها هزاران هزار انسان به دستان خودشان کشته می‌شدند. با گذشت سالیان متمادی، انسان‌ها به ابزارهای پیشرفته تری جهت نابودی یکدیگر دست یافتند تا اینکه در نهایت، در همین قرن اخیر، از کارآمدترین سلاح خود رونمایی کردند:

جلوگیری از زاد و ولد!

با این کار انسان، خود به خود و به مرور زمان به ورطه نابودی کشانده می‌شد.

در این میان عوامل گوناگونی وجود دارند که مسبب چنین اقداماتی می‌باشند، عواملی چون افزایش بیش از حد جمعیت، کاهش سطح رفاه عمومی، نبود امکانات آموزشی کافی و غیره در داخل جامعه، و اختلافات نژادی، ملیتی و مذهبی و غیره از خارج از جامعه هر کدام به نوعی در صدد کاهش زاد و ولد و به عبارت بهتر تحدید نسل در یک جامعه می‌شوند.

منطقه خاورمیانه و به خصوص ایران عزیزمان، هم به جهت موقعیت جغرافیایی و هم به جهت مرکزیت اسلامی و دارا بودن بیشترین جمعیت مسلمانان جهان در این نقطه، همواره در معرض تهدیدها و ناآرامی‌های گوناگون قرار داشته و دارد. اما آنچه در این پرونده به آن می‌پردازیم بررسی فاجعه انسانی

این سفر شتاب زده پس از صحبت های رهبر، خود گویای دست های پشت پرده ماجراست. نفیس صدیق در طی این سفر که با وزارت خارجه، وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور جلساتی داشت، مسئولین را مجاب نمود که اجرای طرح تنظیم خانواده را آغاز کنند. دشمن که نتوانسته بود در جنگ سخت علیه ایران به پیروزی خاصی دست یابد با اجرای این طرح در ایران به جنگ نرم تغییر رویه داد. چنان که بعدها برژینسکی، مشاور ارشد امنیت ملی کارتر، در مصاحبه‌ای با وال استریت ژورنال عنوان کرد: از فکر کردن به حمله پیش دستانه علیه تاسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و یک بازی طولانی مدت را انجام دهید؛ چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع حکومت کنونی نیست. این صحبت خود پرده از منشاء سیاست تحدید نسل در ایران برمی دارد.

اول آنکه آمریکایی‌ها به تنظیم خانواده بیشتر به عنوان ابزاری برای انتقال فرهنگ آمریکایی نگاه می‌کردند، زیرا اثر رواج یافتن وسایل ممانعت از بارداری را در وقوع فاجعه‌ی انقلاب جنسی دیده بودند و قصد داشتند از این طریقی بندوق‌بازی آمریکایی را در تمام کشورهای دنیا شایع کنند!

دوم آنکه، ترویج تنظیم خانواده پیش از انقلاب نوعی کاشتن بذر بود که می‌توانست هنگام نیاز، مورد آبیاری قرار بگیرد و حرکت یک ملت به سمت پیشرفت را متوقف کند. اتفاقی که بدین منظور در سال ۱۳۶۸ رخ داد.

پرده دوم؛ پس از انقلاب؛ اشتباه یا نفوذ؟

با انقلاب ایران پروژه کنترل جمعیت پهلوی نیز نیمه کاره ماند. زمان زیادی نگذشته بود که کشور درگیر جنگ سختی با عراق شد. جنگی که طی آن هزاران نفر از جوانان کشور به شهادت رسیدند. جوانانی که به سن ازدواج و فرزندآوری رسیده بودند و این خود ضربه بدی به جمعیت جوان کشور وارد کرد.

اما با وجود اینچنین اتفاقاتی، اولین جرقه بحث کنترل جمعیت در سال ۱۳۶۸ با سفر نفیس صدیق، مدیرکل اجرایی صندوق جمعیت سازمان ملل به ایران که با دعوت رسمی از سوی وزارت خارجه کشورمان همراه بود زده شد؛ درست چهار ماه پس از آنکه رهبری اشاره کرده بود که کشور می‌تواند بدون هیچ مشکلی ۲ برابر این جمعیت را داشته باشد.

یادداشت هفته

سازمان ملل متحد، به زنان ایران هشدار میدهد:

بچه‌زادی موقوف .

مادرانی که هفت، هشت بچه می‌آورند، نه میتوانند وظایف فردی و اجتماعی خود را بخوبی انجام دهند و نه بچه‌ها انسان‌های مفید برای جامعه بارمی‌آیند...

آموزش زنان در زمینه مبارزه با بچه‌های ناخواسته و زیادی، یک برنامه اساسی مملکتی است ...



در نتیجه اجرای این طرح با شعار فرزند کمتر زندگی بهتر و اعمال قوانین به شدت سخت گیرانه بر روی خانواده‌هایی که تمایل به داشتن فرزند بیشتر داشتند، ایران تنها ظرف یک دهه دو سوم از نرخ باروری خود را از دست داد، یعنی اگر کاهش ۷۰ درصدی نرخ باروری در کشور های دیگر صد سال زمان برده است در ایران طی ده سال رخ داده است.

این مسئله به قدری موجب تعجب جهان بود که دکتر نیکولاس ابرشنتات، از محققان انستیتو اینترپرایز آمریکا، در مقاله‌ی معروفش می‌گوید: کاهش نرخ باروری در ایران یکی از سریعترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش باروری در تاریخ بشر بوده است! این مسئله سبب شده است که جمعیت ایران با سرعت بسیار زیادی به سمت پیری رفته و کشور در آینده‌ی نه چندان دور متحمل هزینه‌های

هنگفتی جهت نگهداری از سالمندان شود. اگر از این موضوع هم گذر کنیم، کاهش جمعیت جوان کشور، توقف چرخ صنعت، تولید، اقتصاد و حتی ایجاد خطر امنیتی برای کشور را به دنبال خواهد داشت. طبق آمار منتشر شده از سوی سازمان ملل از زمان اجرای این طرح تاکنون نرخ باروری زنان ایرانی از ۳.۹۷ فرزند به ۱.۸۷ فرزند تقلیل یافته است، یعنی حتی کمتر از نرخ جایگزینی!!

پرده آخر؛ از ماست که بر ماست!

تمام این‌ها در حالی است که کشورهای اروپایی و غربی به خوبی بر اهمیت بحث فرزندآوری واقف بوده و تسهیلاتی را جهت تشویق خانواده‌ها برای فرزندآوری در نظر گرفته‌اند. برای مثال در روسیه دولت به ازای تولد فرزند سوم، یک خانه به پدر و مادر هدیه می‌دهد و یا در فرانسه مخارج تحصیل فرزندان خانواده‌ها از پیش دبستانی تا دانشگاه توسط دولت تامین می‌شود و حتی در رژیم غاصب اسرائیل نیز همه خانواده‌ها باید حداقل چهار فرزند داشته باشند. اما مشاهده می‌کنیم

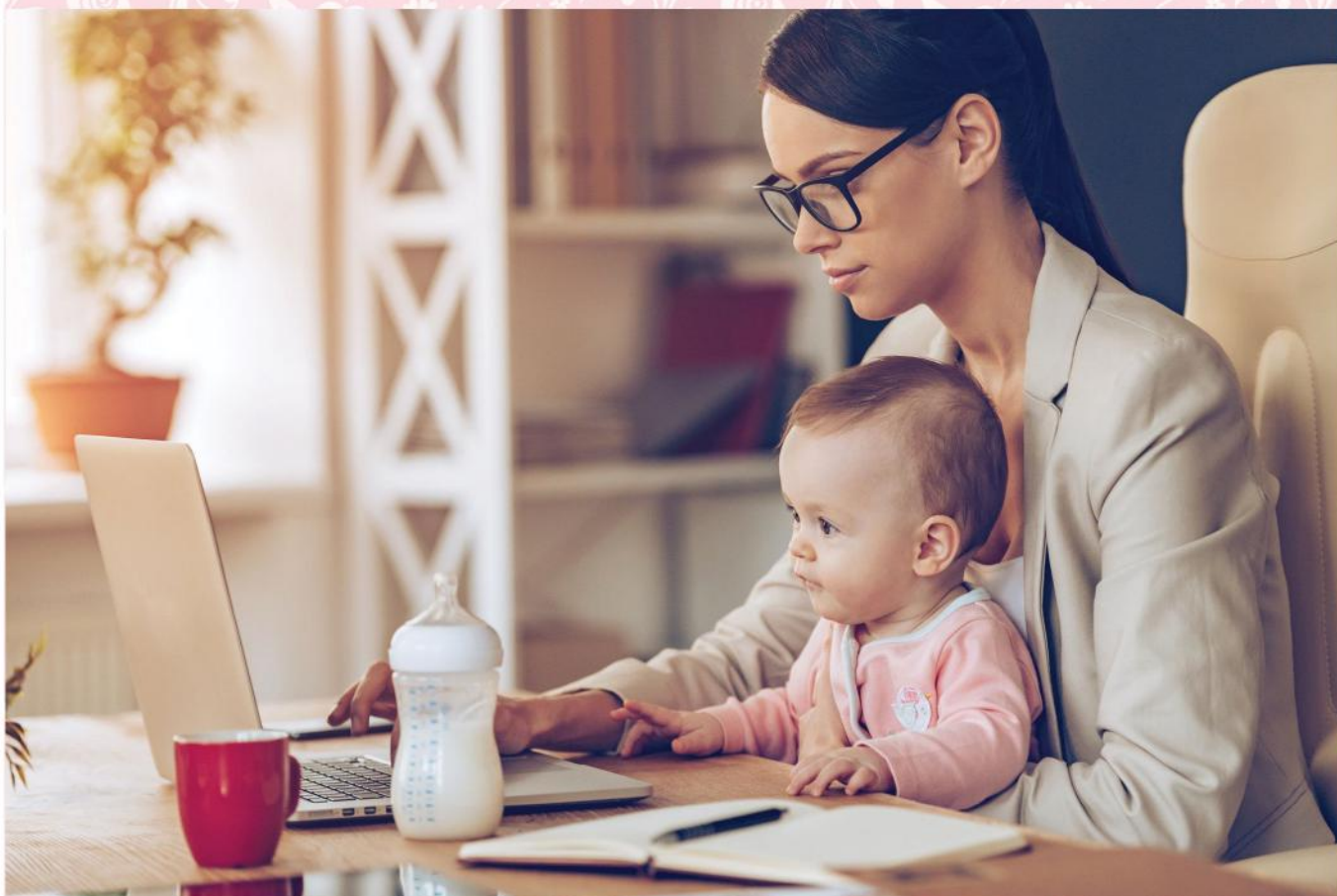
حال با این وجود به جای آنکه شاهد کمک‌های تشویقی دولت در جهت افزایش جمعیت باشیم شاهد رویکرد ضد جمعیتی دولت هستیم، تا جایی که معاونت وقت امور زنان رئیس‌جمهور، مولاوودی، در جلسه‌ای طرحی با عنوان عقیم سازی زنان فقیر و کارتن‌خواب را مطرح می‌کند و به جای ارائه طرح و برنامه‌ای چون فقرزدایی و اشتغال آنها، بر جلوگیری از زیست سالم آنها پافشاری می‌کند.

باید این رویکرد ضد جمعیتی را کنار بگذارد بلکه باید دقیقاً روند برعکسی را پیش بگیرد، اما اینکه دقیقاً چه زمانی و چگونه قرار است این کار انجام شود، نمی‌دانیم! اما این را به خوبی می‌دانیم که ایران از سال ۱۳۸۵ وارد پنجره جمعیتی شده و این پنجره به مرور زمان بسته خواهد شد، به گونه‌ای که در سال ۱۴۲۵ دیگر فرصتی به نام پنجره جمعیتی وجود نخواهد داشت؛ و این را هم می‌دانیم که حداقل تا ۲۰ سال آینده و بسته شدن پنجره جمعیتی تحریم‌ها و فشار اقتصادی از روی مردم برداشته نخواهد شد و ما فقط ۲۰ سال فرصت داریم که از

این فرصت جهت ثابت نگه داشتن جمعیت جوان کشور و افزایش آن استفاده کنیم. با این وجود کاش مسئولین و دولت نیز به جای اعمال فشار بیشتر بر مردم تغییر رویه داده و سریعتر فکری به حال نجات کشور از گزند این دام پهن شده کنند.

بیشتر باشد، سهم اعضای خانواده از یارانه کاهش می‌یابد! برای مثال اگر شما مجرد باشید، سهم یارانه‌ای که دریافت می‌کنید ۱۰۰ هزار و ۵۰۰ تومان است، اما اگر عضو خانواده پنج نفره باشید سهم شما به ۸۶ هزار و ۵۰۰ تومان کاهش یافته و این روند کاهش به ازای فرزندان بیشتر ادامه خواهد یافت. دولت نه تنها

نسخه‌ای که این کشورها برای کشورهای مانند ایران می‌پنجند همچنان تشویق به فرزندآوری کمتر است. حال با این وجود به جای آنکه شاهد کمک‌های تشویقی دولت در جهت افزایش جمعیت باشیم شاهد رویکرد ضد جمعیتی دولت هستیم، تا جایی که معاونت وقت امور زنان رئیس



مادران کارمند، آغوش های بی فرزند...

به قلم مریم نظری

دستی قابل احساس بود. در آن سوی خط اما کودکی بود که منتظر رسیدن مادرش به خانه بود. به او فکر کردم، به مظلومیت کودکی خردسال که بیشتر از هر چیزی احتیاج به کانون گرم خانواده دارد؛ او مجبور است صبح را فرد دیگری به غیر از مادرش به شب برساند، و از نگاه عاشقانه مادر در طول روز محروم شود و طعم شیرین آغوش را فقط شب‌هایی میچشد که مادرش خسته از کار بیرون نباشد. همه‌ی اینها در حالی است که کودکان دیگر هر وقت که اراده کند آغوش مادر برایشان باز است.

سوالی که برایم پیش آمد این بود که آیا مادر میداند که هیچ کس برای فرزندش مثل او نمیشود؟ پاسخش هرچه که باشد تفاوتی در شرایط بحرانی کودک و مادر نمیکند.

مادر برای بدست آوردن جایگاه اجتماعی خود از جوانی اش هزینه کرده است و حالا نمیتواند به راحتی از این محصول گران بها بگذرند. از طرفی کودک او حق دارد که مادرش را کنار خود داشته باشد. طبق نظر کارشناسان روانشناسی کودکان به خصوص در سال‌های نخستین زندگی، نیاز شدید عاطفی دارند و این نیاز تنها از سوی مادر تامین میشود و از طریق هیچ فرد یا نهاد جایگزین دیگری تامین نمی‌شود.

مادران محکوم به انتخاب هستند بین فرزند و کار بیرون از خانه، دوراهی که ناشی از ساختارهای اشتباه حاکم بر جامعه است. نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل میدهند و حدود ۴۰ درصد از آنها شاغل هستند، اما متأسفانه تقریباً هیچ قدم موثری در راستای بهبود وضعیت

سوار اتوبوس که شدم سعی کردم به اطراف بی توجه شوم و تمام تمرکزم را روی کتابی که تازه از انقلاب خریده بودم جمع کنم اما ناچار به گوش دادن صحبت های خانوم بغل دستی ام شدم.

+سلام مادر خوبی؟

+از خانمی که امروز آمده بود راضی بودی؟ اگر خوب نیست زنگ بزنگ شرکت یک نفر دیگر را بفرستد. راستی گفته بودم حتماً برای صبحانه نان تازه بخرد، خرید؟

برای نهار سفارش کرده بودم که حتماً برات غذای نونی درست کنه چی درست کرد؟

برخلاف انتظار مجذوب صحبت‌هایش شدم، کتاب را بستم و کلاه‌م را قاضی کردم، اگر من بجای آن مادر بودم چه میکردم؟

چقدر قضاوت کردن این مادر سخت بود. او احساس لطیف خانه مادری خود را در میان مشغله های کاری خود گم نکرده بود. خسته بود اما درست مثل یک مادر خانه دار نگران کودکش بود. نکند صبحانه اش دیر شده باشد، نکند همه چیز انطور که او میخواهد نباشد نکند با پرستار احساس آرامش نداشته باشد و نکند...

و تمام این نکند ها خستگی مادر را بیشتر میکرد. درست است که مسئولیت مادری را با پرستار فلان شرکت تقسیم کرده است اما دلیل نمی‌شود که قلبش برای فرزندش نتپد. عشق مادری به وضوح از صدای ملایم خانم بغل

آنها از سوی قوهی مقننه و مجریه صورت نگرفته است. عواقب این بی‌توجهی به زنان به این نقطه ختم نمیشود، دیدگاه‌های غلطی که از پس این بی‌توجهی ها در جامعه رواج پیدا میکنند انکارناپذیر است، دیدگاهی که میگوید "فرزندآوری مانع پیشرفت است."

بنابراین میتوان گفت مغفول ماندن دغدغه‌های اصلی زنان تاثیر مستقیم بر مسئلهی جمعیت دارد. راهکار را میتوان در تصویب قوانینی که با در نظر گرفتن تمام شرایط و خصائص زنان پیدا کرد بطوریکه با اجرای این قوانین فضای مطلوب و متناسبی را برای اشتغال زنان محیا شود.

قلم زهره طالبی

رسانه؛ خرمشهری که فتح نشد

حرفه‌ی بازیگری با توجه به مزیت‌های بسیار زیاد و تاثیر بسیار بالا، امروزه برای برخی زنان محدودیتهای زیادی را در پی داشته است؛ عدم علاقه آنها به ازدواج و یا مادر شدن می‌تواند دال بر این موضوع باشد و این خود نوعی انزوا و گوشه‌گیری از واقعیت زندگی و علاقه‌ی فطری آنهاست.

در حال حاضر در سینمای ایران، اسلام و توجه به آن به نظام خانواده کم‌رنگ شده است.

به‌گونه‌ای که بسیاری از آنها را نمیتوان در جمع خانواده مشاهده کرد.

در مجموع هنر اسلامی به این معنا که فیلمی که تاثیر گذار باشد و فیلمی که حتی بارها ارزش دیدن داشته باشد ارزش دیدن را پرداختن را داشته باشد.

در هنر اسلامی تصویرسازی‌ها عالی، عمیق و ماندگارند، اما در حال حاضر سینمای ما آنچنان عمیق نیست و فیلم‌هایی که بواسطه آن مخاطب به فکر و داشته شود کمتر ساخته می‌شود.

از سیاه‌نمایی‌های هر روزه و موضوعات تکراری و خاکستری که فقر و غم را فریاد می‌زند، بدون آنکه پابانی خوش در سرانجام آن باشد گرفته، تا طنزهایی که برای خندانیدن مخاطبین، گویی چاره‌ای جز به ابتذال رفتن ندارند!

سینمای امروز ایران مورد نقد و بررسی‌های بسیاری از جانب مخاطبان و صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفته است؛ سینمایی که بیشتر فیلم‌هایش را هر طیف سنی نمی‌تواند ببیند و مخاطبین آن هر روز بیشتر تفکیک می‌شوند.

تعداد فیلم‌هایی که محدودیت سنی دارند روز به روز بیشتر می‌شود؛ فرقی ندارد فیلم طنز باشند یا اجتماعی!

در میان فیلم‌های اجتماعی یکی از پر سر و صدا ترین موضوعات مربوط به حوزه زنان است؛ یعنی خشونت علیه زنان!

حال فرقی ندارد خشونت فیزیکی، کلامی، احساسی یا عاطفی (موضوع بحث) باشد. در نهایت ترس، انزوا و محدودیت را در پی خواهد داشت؛ خصوصاً برای زنان! چه در دنیای واقعی چه در دنیای سینما.

در دنیای فیلم و سریال گاه جهت جذب مخاطب و افزودن به هیجانات فیلم، زنان را دستمایه قرار می‌دهند و این کار را با ضرب و شتم انجام می‌دهند یا آنکه خشونت کلامی را در مورد زنان به حد اعلا می‌برند!

این درحالیست که زنان بازیگر در دنیای واقعی هم مورد خشونت قرار گرفتند و برخی از آنها زن بودنشان را فدای بیشتر دیده شدن کردند!



نایت لایف ایرانی

LIFE

۱۰ | به قلم فاطمه کرشاهی

موضوع کاسته شد هر چند که این تغییر موقت و گذرا بود. بعدها با ورود موسیقی زنده و فرهنگ رقص و مصرف ماری جوآنا و هروئین به رونق زیست شبانه در غرب منجر شد.

از دهه ۱۹۶۰ شاهد شکل‌گیری خرده فرهنگ های جوانان در اروپا به ویژه در انگلستان هستیم که این تحول نیز به نوبه خود به رونق زیست شبانه اقتصادی (با توجه به رواج استفاده از میکده ها و بارها و کلوپ ها و غیره) کمک کرد.

تغییر هویت

ابتدا از ۱۹۹۰ به این سو محدوده سنی به لحاظ فرهنگی از هر دو سو گسترش پیدا کرد به نحوی که هم کودکان زیر ۱۵ سال، هم افراد ۳۰ تا ۵۰ سال با جوانان هم ذات پنداری می کردند.

نکته دوم اینکه با تضعیف نهادها و روابط اجتماعی سنتی شاهد افزایش نقش فراغت و فرهنگ عامه پسند در شکل‌دهی به

کاری، فعالیت‌های تفریحی کارگران به شب موکول شد. بعدها با کاهش تدریجی ساعات کار و بالا رفتن تدریجی درآمدها و کاهش مخالفت های اخلاقی با سرگرمی و تفریح تجاری، پدیده زیست شبانه شهری شکل گرفت.

باز کردن پای بانوان به زیست شبانه

تا اواخر قرن ۱۹ زیست شبانه شهری در بسیاری از جوامع غربی مرد محور بود اما به تدریج رستورانها و هتلها پذیرای مشتریان زن هم شدند.

تغییر در الگوهای ابراز عشق باعث رواج زیست شبانه مختلط شد و روابط قبل از ازدواج (خواستگاری، آشنایی و غیره) از جایگاه خصوصی خانه‌ها به اماکن تفریحی عمومی انتقال یافت و همین طور آغازی بود بر روابط عاشقانه جوانان که از کنترل والدین شان خارج می شد.

اختراع اتومبیل به این روند سرعت بخشید، اما با اختراع تلویزیون از اشتیاق افراد به این

زیست شبانه چگونه تعریف می شود؟ ریشه گیری آن از کجاست و چگونه به ایران و تهران راه پیدا کرد؟

زیست شبانه طرحی است که از سوی شورای شهر تهران مورد پیگیری جدی قرار گرفته است به موجب آن در برخی مناطق شهر تهران کسبه و فعالان بازار می‌توانند نسبت به فروش اقلام خود به شهروندان در ساعات نیمه شب اقدام کنند و مغازه ها و مراکز تفریحی (رستوران، کافی شاپ، سینما و ...) این مناطق تا ساعت ۳ بامداد تعطیل نخواهد شد.

نحوه شکل‌گیری زیست شبانه شهری در جوامع غربی

قبل از اختراع یا اکتشاف برق در سال ۱۸۸۰ خیابان ها سوت و کور بود و کمتر کسی حاضر بود آسایش و امنیت خانه را با قدم زدن در تاریکی عوض کند. اما با ساخت چراغ گازی و سپس برق کم کم فرهنگ شب بیداری شکل گرفت با افزایش سطح صنعتی شدن و افزایش ساعات

NIGHT

بی‌تردید عدم استراحت و خواب کافی در ساعاتی که قرآن کریم برای آرامش انسان ذکر کرده است، با زیان و خسارت جبران ناپذیری همراه است.

از سوی دیگر زیست شبانه موجب سست کردن بنیان خانواده‌ها مغایرتان با اصول و ارزش های دینی و فرهنگی است.

زمینه بزهکاری

و علاوه بر این منجر به افزایش ناامنی در کلان شهرهای پر آسبایی چون تهران شده و زمینه ارتکاب جرائمی چون کیف قاچی و مزاحمت نوامیس را به شدت افزایش خواهد داد و سارقان و خلافکاران با استفاده از تاریکی شب همینطور کم بودن کنترل مأموران نیروی انتظامی به راحتی خلاف می کنند. و به طور کلی امنیت شهر را از هر جهت در ساعات نیمه شب کاهش می یابد.

اقدام نافرجام

با توجه به موارد و مشکلات ذکر شده اگرچه این پدیده به بهانه رونق اقتصادی و توسعه فضای کسب و کار در چند سال تصویب شده باشد در جامعه‌ای که پیوسته بر حفظ سبک زندگی اسلامی تأکید می‌شود این پدیده به هیچ وجه قابلیت اجرایی ندارد.

موضوع و پدیده را با فرهنگ دین و عرف جامعه ایرانی بسنجند. اما در همین مورد زیست شبانه بعضی از مسئولان معتقدند که این پدیده موجب رونق اقتصادی کشور و همینطور گسترش تفریحات و شادی خانواده‌ها و جوانانجامه می‌شود شاید این مورد تا حدودی درست باشد اما مغایرت زیادی با فرهنگ ایرانی و اسلامی جامعه دارد.

حرف دین

از سوی در روایات و احادیث دینی ما این مورد ذکر شده است که شب برای آرامش و استراحت قرار داده شده است (جعل الیل سکنا)

امام علی علیه السلام: انسان با ایمان شبانه روز خود را به سه بخش تقسیم می‌کند، قسمتی را صرف مناجات با پروردگارش، قسمت دیگر برای کسب و کار زندگی و امرار معاش و قسمت سوم بهره‌گیری از لذات حلال و دلپسند (اوقات فراغت) می‌گذارد.

و طبق تحقیقات علمی هم خواب شبانه بسیار مهم شمرده شده به طوری که یک ساعت خواب روزانه (از اوقات طلوع آفتاب تا اذان ظهر) معادل یک ربع خواب شبانه ارزیابی شده است.

هویت جوانان هستیم. فرآیند فردی شدن و جهانی شدن نیز به شکل گیری سبک‌های زندگی و هویت های جوان پسند کمک کرد.

در دوره پست مدرن شاهد شکل گیری شخصیت ها و هویت هایی هستیم که عمقی ندارند و منبع آن ها فرهنگ عامه پسند جهانی است.

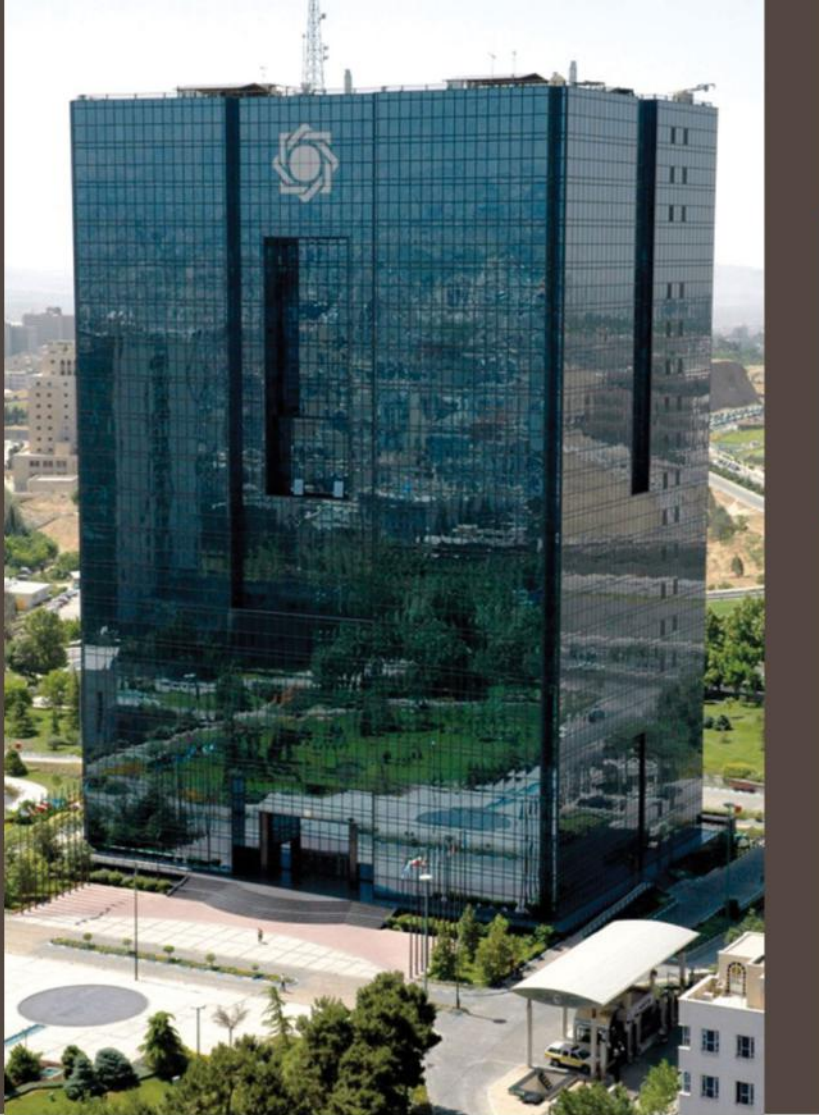
ردپای توریسم

عامل دیگری که به رونق زیست شبانه کمک کرده پدیده توریسم است. هم اکنون سخنانی از شهرهای ۲۴ ساعته یا مناطق و خیابان ها و بلوار هایی است که اصلا نمی خوابند. مانند شهر بارسلونا و بلوار رامبلا؛ به ویژه در فصل تابستان. مجموعه این عوامل منجر به پدیده زیست شبانه در جوامع غربی شده است.

تهران شب زنده دار

حالا سوال این است که پدیده زیست شبانه که در شورای شهر تهران مطرح شده و مورد برنامه ریزی است به چه معناست؟

آیا میتوان از زیست شبانه در تهران سخن گفت در پاسخ به این سوال بتوان به تقلید کورکورانه برخی از مسئولین که تا حدودی گرایش به غرب دارند اشاره کرد افراد مسئولینی که تحت هر شرایطی مشتاق ورود به فرهنگ غربی به داخل کشور هستند بدون آنکه جوانب مختلف آن را در نظر بگیرد و هماهنگی‌های یا عدم هماهنگی آن



یه لقمه نون حروم!

۱ بقلم مریم مرآور

پس از انقلاب اسلامی قانون بانکداری کشور در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید و بنا شد که این قانون چندسال (حدوداً ۵ سال) به صورت آزمایشی اجرا شود تا دولت لایحه بانکداری بدون ربا تهیه و به مجلس ببرد اما تاکنون لایحه بانکداری اسلامی اجرایی نشده است. مبرهن است با طرح آزمایشی دهه ۶۰ نمیتوان نظام بانکی را صحیح و اسلامی اداره کرد؛ و همچنین شرایط ویژه اقتصاد فعلی کشور هم بیانگر اهمیت و ضرورت اصلاح قوانین بانکداری است.

مجلس و آزمون ربایزدایی

در ماه های اخیر مجلس دهم تلاش می کند کاستی های موجود را جبران کند و طرحی که در چهار بخش* تنظیم شده است را در دست بررسی و تصویب قرار دهد.

*بخش اول تعاریف و اهداف و دامنه شمول بخش دوم بانک مرکزی بخش سوم پول و نظام های پرداخت و بخش چهارم بانکداری

از نظر اقتصاد دانان این طرح دارای ایرادات فاحشی ست که در اینجا چند مورد را به اختصار مطرح خواهیم کرد:

● مشکلات ساختاری

اصل ایده بانکداری بدون ربا بر این فرض استوار است که بانکها به جای دریافت ربا از تسهیلات گیرندگان و پرداخت آن به سپرده گذاران، از طریق بکارگیری عقود اسلامی و با فعالیت در بازار واقعی به سود مورد نظر دست یابند. مطالعه عملکرد بانکداری از قدیم

تاکنون بیانگر این واقعیت است که ساختار اصلی بانکهای تجاری بر امر مبلغ مدت نرخ جریمه استوار میباشد. در طرح جدید نه تنها برای تغییر ساختار بانکها تدبیری اندیشیده نشده است بلکه در قانون مندی برخی اموری که تا امروز تقلب بشمار می آمد صحبت میکند.

● صوری سازی

مشکل صوری بودن غالب قراردادهای بانکی بزرگترین و جدی ترین مشکل بانکداری است در حدى که مشروعیت کلیه فعالیت های بانکی در نظر مراجع تقلید و متشرعین زیر سوال برده است. ارائه دهندگان این طرح ادعا می کنند مشکل صوری سازی را با ارائه این لایحه حل کرده اند اما مطالعه مواد طرح خلاف آنرا ثابت می کند. باید دانست عقد مرابحه بانکی* مناسب ترین عقد برای صوری سازی عملیات بانکی محسوب می شود. پس از تصویب طرح عقد مرابحه محور پرداخت تسهیلات خواهد شد و بدین ترتیب صوری سازی شکل قانونی خواهد گرفت.

● جریمه تاخیر

در قانون عملیات بانکی بدون ربا سخن از جریمه تاخیر نیست ولی در طرح جدید موضوع جریمه تاخیر به صراحت در متن آمده است. در ماده ۱۱۷ تاخیر در پرداخت بدهی سررسید شده از نظر این قانون تخلف و تاخیرکننده به تبعات غیرمالی مذکور در ماده ۱۲۰ محکوم می شود.

این قلم لازم میدانند تا نظر کتاب هدایت را نیز مورد بررسی قرار دهد. از نظر قرآن کریم، ثروت زینت زندگی دنیوی است اما لقمه حرام بستر گناه و فساد را در انسان و نسل او فراهم می آورد.

مگر نه اینکه آدم از بهشت گندم خورد و حکایات قابیل که می گویند نطفه وجود او از آن گندم بسته شده بود و این حکایت درس عبرتی برای عدم استفاده از مال حرام است. در واقع بخشی زیادی از نیازهای مادی انسان مانند خوراک از پول حاصل از طرح های بانکی تامین میشود، که به راحتی میتوان نقش پررنگ اجرای طرح های ربوی را بر لقمه حرام مشاهده نمود.

امید است که با توجه به تاثیرات عمیق ربا در نسل آینده کشور، تجدید نظر جدی و اساسی در لایحه بانکداری کشور اعمال شود تا از تاثیرات خانمان سوز مال حرام در چندین نسل جامعه جلوگیری نمود. در غیر اینصورت باید شاهد نسلی باشیم که نطفه هایشان از حرام بسته و شکم هایشان از حرام پر شده باشد، که سخن حق در جان آنها اثری نخواهد داشت.

واقعه کربلا میتواند نمونه ای خوبی باشد از حرام خوارانی که حرف امام زمانشان بر روی آنان هیچگونه تاثیری نداشت و دست به اعمال وحشیانه زدند.

آماده برای ظهور

آنجا که بر جامعه ای حرام اثر کرده باشد و مصداق **مُلَّتْ بَطُونُكُمْ مِنْ حَرَامٍ** شده باشد، حق به دیناری مسلخ می رود، ذبح می شود و به نیزه می رود، سربازان حق به مدد الهی از تکرار تاریخ جلوگیری خواهند کرد که امروز سنگر بانک و پول و اقتصاد است که باید فتح گردد، که نسلی پاک و طاهر، جان بر کف و آماده خدمت به ولی زمان تقدیم جامعه حقه مهدوی گردد ان شاء الله.

اشکالات دیگری نیز وجود دارد که بیانگر عدم پختگی این طرح است اما نکته ای قابل تأمل اینجاست که چرا با وجود سند معتبری که امام موسی صدر درباره الگوی بانکداری بدون ربا نوشته اند آقایان باز بدنبال تصویب طرح نارس خود هستند؟

در کتاب "بانکداری بدون ربا" ایشان به تفصیل به نکات مهم این امر مهم پرداخته اند. طی نگارش این کتاب اعلام می دارند که با گسترش نظام سرمایه داری و صنعت بانکداری، کشورهای اسلامی دولتمردان و صاحبان بانکها با مشکل ممنوعیت ربا مواجه و برای حل آن دست به دامان عالمان دینی شدند. اندیشه وران در مواجهه با این مسئله به دو گروه تقسیم شدند:

۱) گروهی با پذیرش نظام سرمایه داری بانکداری ربوی درصدد ارائه تفسیری جدید از ربا برآمدند تا با معاملات بانکی سازگار باشد

۲) ضمن پذیرش اصل پدیده بانک بر آن شدند که معاملات بانک را بر اساس آموزه های اسلامی طراحی کنند،

بانکداری بدون ربا ثمره ای این گروه است.

شهیید ایت الله صدر ضمن اذعان به نقش بانکها در تجهیز پس اندازهای راکد و تبدیل به سرمایه های مفید و مولد تصریح می کند که بانک متعارف براساس سپرده گذاری و وام دهی با بهره از نظر اسلام ربا و حرام است. برخی از افرادی که به دنیای فانی دل می بندند و می کوشند تا از همراهی هر چند نامشروع آن را به دست آورند و گاهی در لباس دین و مذهب دست به توجیه می زنند تا به مال حرام برچسب حلال بزنند. تمام اینها در حالی است که به فرموده پروردگار، بستر رشد و کمال انسان در سایه اقتصاد حلال رقم می خورد.



66

مقام معظم رهبری :

امروز معضل بزرگی در ارتباط با قشر زن، نه فقط در ایران ما، بلکه در سراسر جهان وجود دارد. آن معضل این است که نسبت به حقوق و شخصیت بانوان، در بعضی از بخشهای زندگی، کوتاهی یا تعرض انجام میگیرد. یعنی به زنان ظلم میشود. بعضی تصور میکنند این ویژگی، مخصوص کشورهای شرقی یا اسلامی است. این تصور، اشتباه است. ظلم به زنان، در کشورهای غربی - با همه ادعاهایی که نسبت به زنان دارند - اگر بیشتر از کشورهای اسلامی و شرقی نباشد، کمتر نیست.

بیانات در جمع زنان شهر ارومیه

66